



تظاهرات میلیون ها کارگر در اول ماه مه

و رهبرش ژان - ماری لوپن شد. در پاریس طبق آمار پلیس، چهارصد هزار نفر و طبق آمار ش. ژ. ت. پانصد هزار نفر به خیابان آمدند که دست کم ده برابر سالهای پیش بود. بنابر آمار پلیس، در کل فرانسه در چهارصد شهر و مکان تظاهرات اول ماه مه

روز اول ماه مه، میلیون ها کارگر در سراسر جهان، بارهپیمایی، تظاهرات و گردهم آیی، همبستگی بین المللی خود را در مبارزه علیه سرمایه به نمایش گذاشتند.

* - در فرانسه تظاهرات اول ماه مه تبدیل به تظاهرات ضد فاشیستی و ضد جبهه ملی

صفحه ۲



یک سال نبرد طبقاتی کارگران ایران

به لحاظ وسعت و استمرار، در تاریخ جنبش کارگری ایران کم نظیر است. این اعتلاء جنبش کارگری ایران، البته خلق الساعه پدید نیامده بلکه نتیجه سیر تکاملی مبارزه ای ست که به ویژه از نیمه دوم ده گذشته بر زمینهای بحران اقتصادی و سیاسی شکل گرفته است. در واقعیت امر، محرک مادی و اقتصادی موج گسترده جنبش خودانگیخته کنونی کارگران ایران، بحران اقتصادی موجود است. در نتیجه تشدید این بحران که همراه با ورشکستگی تعداد زیادی از موسسات تولیدی بوده است، در طول چند سال گذشته، صدها هزار کارگر، کار خود را از دست داده و یا بلامتکلیف مانده اند. تعداد بیکاران هم اکنون بر طبق برخی گزارشات رسمی از ۵ میلیون نیز متجاوز است. هزاران تن از کارگران کار-خانه های مختلف، به طور مداوم با معضل

در فاصله یک سالی که گذشت، از مه ۱۳۸۰ تا به امروز، طبقه کارگر ایران درگیر حاد ترین مبارزه طبقاتی بود. در این یکسال، کمتر روزی را می توان سراغ گرفت که کارگران در یک یا چند کارخانه و موسسه، به یکی از اشکال مبارزه علنی و رودر رو با سرمایه داران و دولت پاسدار منافع آنها روی نیاورده باشند. اعتصابات پی در پی، تحصن ها، گردهم آییها، راهپیمایی ها، تظاهرات، بستن خیابان ها و جاده ها، نمونه هایی چند از اشکال متنوع مبارزه ای هستند که طبقه کارگر به آنها دست یازیده است. تنها در نشریه کار، ارگان سازمان ما، در طول این یک سال، اخبار متجاوز از صد مورد از مهم ترین اعتراضات و مبارزات کارگری انعکاس یافته است و این تنها بخشی از صدها مورد اعتراض و مبارزه کارگری ست که در یک سال گذشته در ایران رخ داده است. این موج مبارزه کارگری

صفحه ۳

تظاهرات اول ماه مه

در پاریس

سقوط آزاد سوسیال - دمکراسی و عروج فاشیسم در اروپای غربی با نگاهی به انتخابات ریاست جمهوری فرانسه

است که گرایشی از آن ها در دولت فعلی ایتالیا حضور دارد و در فرانسه، ژان - ماری لوپن با راه یافتن به دور دوم انتخابات ریاست جمهوری تا پشت در کاخ الیزه رسیده است. دیگر گروه های نئوفاشیست اروپایی نیز توانسته اند در برخی کشورها مانند هلند و دانمارک و نروژ به کرسی هایی

پس از سقوط دولت های سوسیال - دمکرات در اسپانیا، ایتالیا و پرتغال، نوبت به سوسیال - دمکراسی فرانسه رسید و این نیز با شکستی بی سابقه مواجه شد. این شکست در چارچوب نخستین دور انتخابات ریاست جمهوری در ۲۱ آوریل به وقوع پیوست. سقوط دولت های سوسیال - دمکرات در این کشورها با عروج دسته های فاشیستی همراه شده

صفحه ۵

در این شماره

اطلاعیه پایانی

دومین (نشست مشترک))

نیروها و فعالین کمونیست و چپ ۸

۲ اخباری از ایران

خلاصه ای از اطلاعیه ها

۲ و بیانیه های سازمان

۴ اخبار کارگری جهان

فوق مرگ و زندگی برایم از بین رفته است، به این جرم که فلسطینی هستم

صفحه ۶

خاطرات یک نو جوان ۱۳ ساله فلسطینی

تظاهرات میلیون ها کارگردر اول ماه مه

اخباری از ایران

* راهپیمایی کارگران
کفش شادان پور

روز ۲۶ فروردین ماه، کارگران کارخانه کفش شادان پور در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق و مزایای خود، اقدام به یک راهپیمایی اعتراضی در خیابان ولی عصر نمودند. کارگران در این راهپیمایی پلاکاردهایی را حمل می کردند که مطالباتشان بر روی آنها نوشته شده بود. آنها خواهان پرداخت فوری حقوق و مزایای معوقه خود بودند. راه پیمایی مسالمت آمیز کارگران مورد بیورش واحدهای ضد شورش قرار گرفت. اکنون مدتهاست که حقوق و مزایای کارگران کفش شادان پور به تعویق افتاده است و سرمایه داران و دولت پاسدار منافع آنها جز وعده و وعید کاری نکرده اند.

* تجمع اعتراضی کارگران چیت ری

حدود ۱۷۰۰ تن از کارگران کارخانه چیت ری، روز سوم اردیبهشت ماه، با تجمع در مقابل بنیاد مستضعفان خواستار پرداخت حقوق و مزایای معوقه خود شدند. بیش از یک سال است که حقوق و مزایای کارگران چیت ری به موقع پرداخت نمی شود و گاه تا چند ماه به تعویق می افتاد. اکنون نیز سه ماه است که حقوق کارگران پرداخت نشده است. کارگران چیت ری در این تجمع اعتراضی خود، خواهان پرداخت حقوق و مزایای معوقه خود بودند. بنیاد مستضعفان باردیگر به وعده و وعید متوسل شد و علت پرداخت نشدن حقوق کارگران را مشخص نبودن وضعیت مالکیت کارخانه اعلام نمود.

* اعتراض کارگران
کارخانه قند شاهرود

گروهی از کارگران کارخانه قند شاهرود از اواخر فروردین ماه با تجمع در محوطه کارخانه، خواستار بازگشت به کار شدند. این کارگران از اسفندماه سال گذشته بیکار و بلا تکلیف شده اند. کارگران می گویند بر خلاف ادعای مدیر کارخانه، ماکارگرفصلی نیستیم، چرا که باید به طور دائم ولی به صورت نامنظم در خدمت کارخانه باشیم. با توجه به نحوه کاری که کارخانه قند از ما می خواهد، ناچاریم همه وقتمان را به کارخانه اختصاص دهیم. کارگران خواهان اشتغال دائم و پرداخت حقوق خود هستند. از مجموع

اقتصادی دولت تبدیل نمودند. خیابانهای شهر مادرید و چندین شهر بزرگ اسپانیا شاهد راهپیمایی و تظاهرات دهها هزار نفر علیه تلاشهای دولت در راستای ایجاد محدودیت بیشتر در خدمات رفاهی میلیونها کارگر بود که در چند سال گذشته بی سابقه بوده است. کارگران اعلام نمودند که روزهای ۲۱ و ۲۲ ژوئیه را به روز اعتراض علیه موج راست و اجحافات سرمایه داران اروپا بدل خواهند نمود. در این روز رهبران کشورهای بازار واحد اروپا برای شرکت در اجلاس سالانه خود در شهر سرپلیا گرد هم خواهند آمد.

* در یونان، شهر آتن و چند شهر بزرگ این کشور هم شاهد برپایی تظاهرات و راهپیمایی کارگران بود. تنها در شهر آتن دهها هزار نفر در شلوغ ترین خیابانهای شهر به سمت سفارت آمریکا و اسرائیل راهپیمایی کرده و ضمن تجمع در مقابل سفارت خانه های این دو کشور، نفرت و انزجار خود را از سیاست های ضد بشری و جنگ طلبانه امپریالیست ها به نمایش گذاشتند.

* میدان سرخ مسکو نیز در روز اول ماه مه شاهد تجمع بیش از ۱۲۰ هزار نفر در اعتراض به وضع فلاکت بار اقتصادی این کشور بود. هزاران کارگر از سراسر روسیه در اعتراضات این روز خواستار پرداخت دستمزدهای معوقه خود شدند. * در ترکیه، هزاران مامور پلیس و ارتش میادین مرکزی و خیابانهای اصلی شهرهای بزرگ این کشور، از جمله استانبول و انکارا، را به اشغال خود درآوردند تا به خیال خود از اعتراض کارگران جلوگیری نمایند. برغم این تلاشها، تنهادر شهر استانبول بیش از ۴۰ هزار نفر به خیابانها آمده و زیر برق سرنیزه های نیروهای سرکوبگر سرمایه ضمن اعتراض به سیاست

صفحه ۶

برپا شد و یک میلیون و سیصد هزار نفر از جمله چهار صد هزار نفر در پاریس، هشتاد هزار نفر در تولوز و چهل هزار نفر در ماریسی در راهپیمایی شرکت کردند. * در انگلستان، چندین شهر از جمله لندن شاهد راهپیمایی و تظاهرات دهها هزار نفر علیه سیاست های دولت این کشور و گسترش فعالیت های جریانات دست راستی بود که خود را برای انتخابات این کشور آماده می سازند. در لندن دهها هزار نفر از سه مسیر مختلف در پرفرت و آمترین خیابانهای مرکزی شهر راهپیمایی کرده و رفت و آمد اتومبیل ها و وسایط حمل و نقل عمومی را بکلی مختل نمودند. * در آلمان، دهها هزار کارگر در شهرهای مختلف با گرد هم آیی و راهپیمایی، روز اول ماه مه را گرمی داشتند. دهها نفر از جوانان معترض به سیاست های جنگ طلبانه امپریالیست ها در افغانستان و فلسطین، شب قبل از مراسم اول ماه مه به خیابانها آمده و بانیرو های سرکوبگر پلیس به زدو خورد پرداختند. از سوی دیگر، بزرگترین اتحادیه کارگری آلمان، اتحادیه فلزکاران "IG_Metal" اعلام نمود که روز دوشنبه ۶ ماه مه، در اعتراض به اجحافات سرمایه داران و دولت آنها دست به یک اعتصاب عمومی خواهند زد. * در ایتالیا، شهر بلونیا از سوی چند اتحادیه کارگری به عنوان محل اصلی برپایی مراسم اول ماه مه انتخاب شده بود. دهها هزار کارگر در خیابانهای این شهر راهپیمایی کرده و به مقامات دولت هشدار داده که اجازه نخواهند داد که حقوق کارگران بهانه مبارزه با "تورریسم" لگد مال شود. علاوه بر این شهر، چند شهر بزرگ ایتالیا هم در این روز شاهد قدرت نمایی کارگران علیه سرمایه بود. * کارگران اسپانیا هم، همچون میلیون ها هم زنجیر خود در سراسر جهان، روز اول ماه مه رابه روز اعتراض به سیاستهای

خلاصه ای از اطلاعیه ها و بیانیه های سازمان

در تاریخ ۲۹ فروردین ماه، اطلاعیه ای از سوی سازمان در ارتباط با جنبش اعتراضی مردم فردوس انتشار یافت. در این اطلاعیه آمده است که مردم فردوس در ادامه اعتراضات یک هفته اخیر به تقسیم خراسان، از روز گذشته در خیابانهای این شهر دست به راهپیمایی و تجمع زده اند. واحدهای ضد شورش، راهپیمایی مسالمت آمیز مردم را مورد حمله قرار دادند و دهها تن را دستگیر نمودند. مردم فردوس با تجمع در مقابل فرمانداری و بستن خیابانها خواستار آزادی بازداشت شدگان شدند. نیروهای ضد شورش به سوی مردم تاش گشودند که در جریان آن دهها تن به ضرب گلوله کشته و زخمی و صدها تن دستگیر شدند. روزنامه های دولتی تا کنون آسامی دوتن از کشته شدگان را اعلام نموده اند. نیروهای انتظامی رژیم در فردوس حکومت نظامی اعلام نموده و مردم به اعتصاب عمومی متوسل شده اند.

در این اطلاعیه همچنین گفته شده است که در رویدادی دیگر در تهرانسرای غرب، میان مردم و نیروهای سرکوب پلیس درگیری پیش آمد، پلیس که قصد داشت تعدادی از جوانان محل را دستگیر کند و با اعتراض و مقاومت مردم روبرو شد، به سوی مردم شلیک کرد. پدر یکی از جوانان در همانجا به قتل رسید و مادر وی که یک گلوله به وی اصابت نموده در بیمارستان بسر می برد. اطلاعیه، ضمن محکوم کردن این اقدامات وحشیانه و سرکوبگرانه رژیم، سرکوب و وحشیانه مردم را نشان ترس و وحشت رژیم از مردمی می داند که برای سرنوشت جمهوری اسلامی پیا خاسته اند.

تشکیلات خارج کشور سازمان در تاریخ بیستم آوریل اطلاعیه ای انتشار داد و در آن به وضعیت اسفبار پناهجویان در فرانسه و استرالیا اعتراض نمود.

در این اطلاعیه گفته شده است که در تاریخ ۱۵ آوریل یک جوان ۲۵ ساله به نام علی شریف در اردوگاه سنگات فرانسه با ضربات چاقو به قتل رسید. در این اردوگاه که فاقد ابتدایی ترین امکانات زیستی است، بیش از ۱۵۰۰ انسان تالینار شده اند که اکثراً کرد، فارس و افغان هستند. اطلاعیه می افزاید، در استرالیا در اردوگاهی به نام دربی نیز وضعیت پناهجویان مناسب تر از فرانسه نیست. در این اردوگاه هم ۳۴۰ پناهجو که بیشتر افغان و ایرانی هستند، حضور دارند. مسئولان استرالیایی، این اردوگاه را به یک زندان واقعی تبدیل کرده اند. پناهجویان این اردوگاه از روز جمعه ۱۹ آوریل ۲۰۰۲ دست به شورش زده اند. میان پناهجویان و پلیس درگیری رخ داد که تعدادی از مأموران و پناهنگان مجروح شدند. اطلاعیه تشکیلات خارج کشور سازمان، سیاست های ضد انسانی دولت های فرانسه و استرالیا را محکوم می کند و خواهان رسیدگی فوری به پرونده های پناهجویان و فراهم آوردن شرایط انسانی در اردوگاه های این کشور است.

یک سال نبرد طبقاتی کارگران ایران

به تعویق افتادن دستمزد و مزایا روبرو هستند. دربرخی از موسسات تولیدی چندین ماه و در برخی متجاوز از یک سال است که دستمزد کارگران پرداخت نشده است. این انبوه کارگران با فقر و گرسنگی زندگی می کنند. وضعیت مادی و معیشتی میلیون ها کارگری که با معضل بیکاری و بلاتکلیفی روبرو نیستند نیز مداوماً وخیم تر شده است. طبقه سرمایه دار به منظور انتقال بار بحران به دوش کارگران و کسب سود بیشتر، استثمار کارگران را تشدید کرده است. ساعات کار عملاً افزایش و دستمزد واقعی کارگران کاهش یافته است. سطح دستمزد کارگران به حدی نازل است که جوابگوی حداقل معیشت لاقبل اکثریت بسیار عظیمی از کارگران نیست. در حالی که نرخ تورم مداوماً افزایش می یابد، دستمزد واقعی کارگران سال به سال کاهش یافته است. در حالی که دولت در سالی که گذشت تنها مبلغ بسیار اندکی به حداقل دستمزد افزود، افزایش بهای نرخ کالاها و خدمات ۴۰ تا ۵۰ درصد بود. بهای گوشت مرغ ۴۵ درصد، تخم مرغ ۳۵ درصد، وسایل حمل و نقل شهری و بین شهری تا ۳۰ درصد، حبوبات ۲۵ درصد و برنج و پنبیر ۲۰ درصد افزایش یافت. نتیجه این که طبقه کارگر هرچه بیشتر کار کرده و استثمار شده است، فقیرتر شده است. بر پایه این تشدید بحران اقتصادی و وخیم تر شدن شرایط مادی و معیشتی کارگران است که در چند سال اخیر، مبارزات خودانگیخته کارگران سال به سال وسعت و گسترش بیشتری به خود گرفته است. اما این مبارزات برغم این که حول مطالبات اقتصادی شکل گرفته و خودانگیختگی خصلت بارز آنها - ست، معهداً در بطن بحران سیاسی موجود معنا و مضمون دیگری یافته اند.

مبارزه کارگران حتی بر سر مطالبات صرفاً اقتصادی دیگر به چار دیواری کارخانه محدود نمی شود. مبارزه از سطح کارخانه به خیابانها و جاده ها کشیده شده است. کارگران بسیاری از کارخانهها برای تحقق مطالبات خود، دیگر به اعتصاب اکتفا نمی کنند، بلکه در خیابان های شهرهای بزرگ به ویژه تهران و اصفهان راهپیمایی و تظاهرات می کنند، خیابانها و جاده ها را می بندند تا بدین طریق خواسته های خود را به گوش همگان برسانند. کارگران اکنون مقامات دولتی را وا می دارند که ببینند و پاسخ مطالبات آنها را بدهند. اگر لازم شد ساختمان های دولتی را نیز اشغال می کنند، اگر لازم شد نرده های اطراف مجلس ارتجاع را هم از جای درمی آورند. در اغلب این مبارزات، با رویا - رویی کارگران و پلیس روبرو هستیم. کارگرانی که مبارزات خود را به سطح خیابانها کشیده اند، رودرویی دولت به عنوان نماینده کل طبقه سرمایه دار قرار می گیرند. لذا در اینجا با مبارزات صرفاً

اقتصادی روبرو نیستیم، این مبارزات خصلت سیاسی به خود گرفته اند. در چنین شرایطی است که کارگران در بسیاری از موارد توانسته اند سرمایه داران و دولت آنها را به عقب نشینی وادارند و مطالبات خود را به کرسی بنشانند. کشمکش میان کارگران و سرمایه داران بر سر تعطیلی برخی از کارخانه ها نمونه دیگری از توازن قوای طبقاتی در وضعیت سیاسی موجود است. سرمایه داران و دولت پاسدار منافع آنها برای پیشبرد سیاست های اقتصادی خود، خواهان تعطیل برخی کارخانه ها و کاهش تعداد کارگران در برخی دیگر از کارخانه ها هستند. این به معنای اخراج دهها هزار کارگری است که سال ها در این کارخانه ها کار کرده اند. این سیاست را رفسنجانی در اوضاع دیگری پیش برد، بدون این که با جنبش های اعتراضی جدی روبرو گردد. اما امروز اوضاع متفاوت است. کارگران در مقابل سرمایه داران و دولت آنها می ایستند و این امکان را به آنها نمی دهند که به میل خود کارگر را اخراج کنند. سرمایه داران، کارگران را تحت فشار مادی قرار می دهند، پرداخت دستمزدها را به تعویق می اندازند، تا دست از مقاومت بردارند، اما کارگران با مبارزه خود آنها را وامی دارند که ولو با تاخیر، دستمزدها را بپردازند و به هیچ وجه تسلیم سیاست بیکارسازی دولت و سرمایه داران نمی شوند. این سطح معینی از مبارزه طبقاتی کارگران در اوضاع سیاسی معینی است که چنین امکانی را به آنها می دهد، والا در کشوری که دیکتاتوری عربیان حاکم است، سرمایه داران به سادگی کارگران را اخراج می کردند. همانگونه که یک دهه پیش کردند. در بطن این مبارزه طبقاتی و بحران سیاسی موجود است که عنصر آگاهی در مبارزات خود انگیخته کارگری روز به روز تقویت شده است. تجلی این رشد آگاهی روز افزون را می توان به خوبی در رشاداتحاد و همبستگی در صفوف کارگران ایران دید. دیگر زمان آن گذشته است که کارگران کارخانهها و موسسات از مطالبات و مبارزات یکدیگر بی خبر باشند و یا با بی تفاوتی از کنار آن بگذرند. در چند سال اخیر به ویژه در یک سال گذشته، جنبش کارگری نمونه های برجسته ای از رشاداتحاد و همبستگی رابه نمایش گذاشت. حمایت های مادی و معنوی کارگران کارخانه های مختلف از کارگران نساجی ها، بیان همین واقعیت است. اعتصاب کارگران برخی از کارخانه های نساجی به عنوان ابراز همبستگی با کارگران یک کارخانه دیگر و یا اعتصاب، راهپیمایی و تظاهرات مشترک و هم زمان کارگران چند کارخانه، نمونه های عالی از رشد اتحاد و همبستگی در صفوف کارگران و رشد آگاهی طبقاتی آنهاست. اعتلاء روز افزون جنبش طبقاتی کارگران که مداوماً وسعت بیشتری نیز به

خود گرفته و بخش های گسترده تری از کارگران به مبارزه ای علنی و مستقیم روی آورده اند و توأم با آن رشد اتحاد و آگاهی در صفوف کارگران، همگی نشانی از این واقعیت اند که طبقه کارگر ایران به مرحله - ای نزدیک می شود که در ابعادی توده ای متشکل شود. شرایط این امر به لحاظ عینی بیش از پیش فراهم می شود. شکلی که این تشکل به خود خواهد گرفت البته جدا از تحول اوضاع سیاسی در ایران، سطح رشد آتی مبارزه طبقاتی، و موقعیت طبقه حاکم نخواهد بود. روند مبارزه طبقاتی، این مسئله را به شکلی عینی حل خواهد کرد. اما تا همین جا نیز، این مبارزه طبقاتی کارگران، طبقه سرمایه دار حاکم و رژیم سیاسی پاسدار منافع آن را به تکاپو واداشته است. تمام تلاش سرمایه داران و نمایندگان سیاسی آنها خواه در درون حکومت اسلامی و خواه در خارج از آن، این است که به نحوی از انحاء این مبارزه را مهار کنند. آنها هنوز از سرکوب قهری استفاده می کنند و در آینده نیز خواهند کرد، اما منطبق بر سطح پیشرفت مبارزه طبقاتی، تاکتیک های جدیدی اتخاذ می کنند و شعارهای دیگری سر می دهند. معهداً در همه حال هدف آنها فریب کارگران و مهار مبارزات آنهاست. بنابراین تعجب آور نخواهد بود که باند هایی حتی از درون هیئت حاکمه به یاد مقرری برای بیکاران بیافتند، شعار تشکل مستقل سر دهند و خود را مدافع رسمیت بخشیدن به اعتصاب معرفی کنند.

همین چند روز پیش بود که حزب اسلامی کار و خانه کارگر با تبلیغ و سر و صدا، طرح پرداخت مقرری به بیکاران را در مجلس ارتجاع مطرح کردند و البته دو خردادی های دیگر بی سر و صدا آنرا رد کردند و بایگانی نمودند. در اینجا هدف حزب اسلامی کار و خانه کارگر، دفاع از خواسته ها و منافع کارگران نبود، ماهیت این تشکلهای دولتی دیگر بر کسی پوشیده نیست. هدف آنها در وهله اول توهم پراکنی در میان کارگران در مورد این تشکل ها و ثانیاً - تلاش برای پیدا کردن راهی به منظور سد کردن مبارزه کارگران و حفظ رژیم موجود است. مدتی - ست که گاه و بیگاه جناح دو خردادیه شعار تشکل های مستقل را نیز مطرح می کنند، اما در حقیقت امر، آنها در تلاش اند که از این خواست کارگران در جهت تقویت موضع خود در حاکمیت استفاده کنند و تشکل های وابسته به خود را ایجاد کنند. آنها می گویند در میان کارگران توهم پراکنی کنند و خود را مدافع تشکل های مستقل جابزنند و به نام تشکل مستقل تشکل های وابسته به این جناح ایجاد کنند. طرح مسئله رسمیت یافتن اعتصاب هم از سوی گروههایی از این جناح، از زاویه به رسمیت شناختن حقوق طبقه کارگر نیست. آنها می بینند که کارگران ایران اعتصاب می کنند و برای برپایی این



* اعتصاب ۱۰ میلیون کارگر در هند

روز ۱۶ آوریل، بیش از ۱۰ میلیون نفر کارگر در سراسر هند دست به یکاعتصاب یک روزه زدند. این حرکت در اعتراض به سیاستهای اقتصادی دولت، که مستقیماً از سوی مراکز مالی امپریالیستی دیکته می شود، انجام گرفت. دولت هند، همچون دیگر دولت های سرمایه داری، تمام تلاش خود را به کار بسته تا سود هر چه بیشتری را به جیب سرمایه داران بریزد. گام نخست این اقدامات بازتر کردن دست سرمایه داران در اخراج کارگران می باشد. در کنار این اقدامات، آشکارا ضد کارگری، خصوصی سازی مراکز اقتصادی نیز شتاب بیشتری گرفته و تمام اینها نشان از خیز جدید سرمایه داران برای استثمار بیشتر کارگران از یک سو و تشدید فقر و فلاکت میلیون ها کارگر هندی از سوی دیگر را دارد. اعتصاب عمومی روز ۱۶ آوریل پاسخی به این تعرضات سرمایه داری بود. در این روز ۶ استان از ۲۸ استان هند بطور مطلق فلج شده و میلیونها کارگر در چندین شهر بزرگ دست به راهپیمائی و تظاهرات زدند. در دیگر استانهای هند نیز میلیونها کارگر شاغل در بخشهای مختلف دولتی در همبستگی با اعتصابیون دیگر مناطق، کارهای خود را تعطیل کردند. دهها هزار کارگر در شهر بمبئی به سمت مرکز تجاری راهپیمائی نموده و در مقابل ساختمان اتحادیه کار فرمایان تجمع نمودند. همزمان با این حرکت، صدها هزار کارگر نیز پس از راه پیمایی در مرکز شهر دهلی، در مقابل ساختمان مجلس تجمع نموده و خواهان عدم تصویب لایحه پیشنهادی دولت شدند. این اعتصاب عظیم، در پی اعتراضات میلیونها کارگر کشاورزی انجام می گرفت که در هفته های اخیر سراسر هند را در بر گرفته است. در همین حال، اعتصاب ۱۰ روزه دهها هزار کارگر مراکز مختلف دولتی در شهر کراالا با موفقیت پایان گرفت. در این مدت صدها هزار کارگر در سرتاسر هند نیز در همبستگی با کارگران کراالا، دست به اعتصاب زدند.

در پایان روز ۱۶ آوریل، کارگران اعلام نمودند که تالگو کامل این لایحه پیشنهادی دولت و توقف کامل خصوصی سازی ها مبارزات آنان ادامه خواهد یافت.

* - ایتالیا نیز در هفته های اخیر شاهد یکی از عظیم ترین جنبش های اعتراضی بود. روز ۲۳ مارس، نزدیک به ۳ میلیون نفر کارگر، دانشجویان و دیگر افراد زحمتکش مردم دریکی از میادین مرکزی شهر رم گرد هم آمده و مخالفت خود با سیاستهای ضد کارگری دولت دست راستی ایتالیا به رهبری سیلیو برلوسکونی را به نمایش گذاشتند. این

حرکت عظیم، که تا به حال در این کشور بی سابقه بوده و بدون شک باید نقطه عطفی در مسیر مبارزات کارگران و زحمتکشان ایتالیا محسوب گردد، لریزه بر اندام سرمایه داران این کشور انداخت. این موج وسیع جنبش کارگری از آنجا آغاز شد که دولت ایتالیا، به تقلید از دیگر دولت های سرمایه داری، فرصت را غنیمت شمرده و خیال دارد یکی از دستاوردهای مهم مبارزات کارگران در سالهای اواخر دهه ۶۰ قرن گذشته، یعنی ممنوعیت اخراج کارگران از سوی کارفرما را ملغی کرده و از این پس اخراج کارگران را تنها حق مسلم کارفرما جا زده و به این ترتیب سرنوشت میلیونها کارگر را کاملاً تحت الشعاع منافع سرمایه داران قرار دهد. این تلاش دولت، تنها تقلیدی از اقدامات ضد کارگری ریگان در آمریکا و مارگارت تاچردان انگلستان بود، که اوایل دهه ۸۰ قرن گذشته به اجرا در آمد. نکته قابل توجه در این اعتراض کارگران ایتالیا، تشبثات سرمایه داران برای سرکوب این حرکت و حرکت های مشابه بود. تنها چند روز قبل از برپایی این حرکت عظیم، یکی از مشاوران دولت که در ضمن طراح اصلی تمام سیاستهای ضد کارگری دولت نیز محسوب می شد، مورد سوء قصد قرار گرفته و به ضرب گلوله به قتل رسید. دولت بلافاصله اعلام نمود که این ترور توسط گروه "بریگاد سرخ" انجام گرفته و در همین رابطه "اطلاعیه" این گروه را نیز منتشر نمود. اما این "اطلاعیه" به قدری مسخره و پرتناقض بود که توده های مردم به فوریت پی به توطئه های دولت برده و روشن شد که هم چون سالهای دهه ۷۰ قرن گذشته که گروه های شبه نظامی وابسته به سازمان سیا دست به اعمال تروریستی زده و مسئولیت آنها را به عهده سازمان های انقلابی از جمله "بریگاد سرخ" گذاشته و به این ترتیب راه سرکوب اعتراضات توده مردم را هموار می نمود، اکنون نیز برای سرکوب جنبش توده ای، گروه های دست راستی و فاشیستی دست بکار شده و با مسموم ساختن فضای سیاسی، قصد دارند مبارزات حق طلبانه کارگران و زحمتکشان را سرکوب نمایند.

* نگاهی به مبارزات کارگران جهان

در پی وقایع سپتامبر سال گذشته، که طی آن دو ساختمان عظیم تجارت جهانی در شهر نیویورک با خاک یکسان شد، سرمایه داران فرصت را غنیمت شمرده و به بهانه مبارزه با تروریسم، هجوم بی سابقه ای را به دستاوردهای مبارزاتی کارگران و زحمت کشان در سراسر جهان سازمان دادند. هر چند امپریالیستها در تبلیغات خود "تروریست ها" را مسئول وقایع سپتامبر معرفی می کردند، اما در عمل این مبارزات کارگران و زحمت کشان بود که باید سرکوب شده و دستاورد های مبارزاتی آنان، که حاصل دهها سال مبارزه بود، پس گرفته می شد. نتیجه مستقیم چنین یورش طبعاً نمی توانست

چیز دیگری جز عقب نشینی، ولو موقت، مبارزات کارگران باشد. در میان تبلیغات کر کننده امپریالیست ها، امکان ابراز مخالفت محدودتر شده و هر صدای مخالفی به بهانه مبارزه با تروریسم در گلو خفه شد. در پی ایجاد این جواختناق بود که در برخی از کشورهای جهان، راست ترین و هارترین بخش سرمایه داران قدرت دولتی را قبضه کرده و اقدامات ضد کارگری خود را تشدید نمودند.

اما اکنون شرایط بین المللی نشان از تغییر اوضاع به نفع مبارزات کارگران و زحمتکشان دارد. در هفته های اخیر میلیونها کارگر، دانشجویان، محصل، بیکار و دیگر اقشار مردم در صوفی گسترده و یکپارچه علیه جنگ امپریالیستها در افغانستان و فلسطین و تشدید فقر و فلاکت و استثمار سرمایه داری تحت عنوان "جهانی شدن" در سراسر جهان بیخواسسته و در هرفرصتی مخالفت و اعتراض خود را به این وضعیت به نمایش می گذارند. گزارش زیر تنها گوشه ای از این اعتراضات است.

* - پس از روی کار آمدن دولت دست راستی دانمارک در ماه نوامبر سال گذشته، سردمداران جدید در حمله به سطح زندگی و معیشت میلیونها کارگر و زحمتکش این کشور از یکدیگر پیشی گرفته و با وقاحت بی سابقه ای، ایجاد محدودیت در حقوق کارگران را اولین گام در راه مبارزه با تروریسم اعلام نمودند. لایحه بودجه پیشنهادی این دولت، که در آن به شکل زیرکانه ای صحبت از اعاده حق اخراج کارگران توسط کارفرما شده بود، کاسه صبر کارگران را لبریز شد و اولین برآمد مقاومت توده ها در مقابل زورگویی های دولت سرمایه داران روز ۲۰ مارس بروز نمود. در این روز، که در ضمن روز تصویب لایحه بودجه دولت بود، هزاران کارگر، دانشجویان، محصل به دعوت دهها اتحادیه کارگری و سازمانهای زنان، مهاجرین و بیکاران دست به اعتصاب و تعطیلی کلاس ها زدند. در نقاط مختلف شهر کپنهاک، گرد هم آمده، به سمت پارلمان این کشور راه پیمایی نموده و با تجمع در مقابل پارلمان، خواهان توقف فوری سیاستهای ضد کارگری و ضد مردمی دولت شدند.

* - در کره جنوبی هزاران کارگر نیروگاه های برق به تصمیم دولت مبنی بر خصوصی سازی این نیروگاهها اعتراض نموده و زمانیکه با بی اعتنائی مقامات دولتی مواجه شدند، از اواخر ماه ژانویه سال جاری یکپارچه دست از کار کشیده و در محوطه چندین نیروگاه برق دست به تحصن زدند. در طول این اعتصاب، دهها هزار کارگر در همبستگی با کارگران اعتصابی نیروگاه های برق، دست به اعتصابات یک روزه زده و تمام جنبش کارگری بسیج شد تا با حمایت همه جانبه از اعتصابیون، دولت کره جنوبی را وادار به پذیرش خواست کارگران نماید. سر - انجام روز ۳ آوریل، مذاکرات نمایندگان کارگران و کارفرما به توافقاتی دست یافته و این اعتصاب پس از ۳۸ روز خاتمه یافت.

سقوط آزاد سوسیال - دمکراسی و عروج فاشیسم در اروپای غربی با نگاهی به انتخابات ریاست جمهوری فرانسه

در شهرداریها و دیگر نهادهای ارگان ها دست یابند.

سیستم انتخاباتی فرانسه دو مرحله ای است و انتخابات گوناگون ریاست جمهوری، پارلمان و شهرداریها عموماً به دور دوم می کشند تا منتخبان بتوانند با اکثریت مطلق آراء یعنی پنجاه به علاوه یک بر مسند سمت های در نظر گرفته شده قرار بگیرند. می توان گفت که نخستین مرحله ی انتخابات ریاست جمهوری بدون مراجعه به آراء مستقیم صورت می گیرد؛ زیرا هر نامزد باید در مرحله اول، پانصد امضاء از دیگر منتخبان که غالباً شهرداران هستند و تعدادشان بیش از سی و دو هزار است، جمع آوری کند. از سوی دیگر هر نامزد باید خود به انتشار بولتن های رای مورد نیاز بپردازد.

مطبوعات و رسانه های بزرگ فرانسه و هم چنین موسسات گوناگون نظر سنجی چنان الفاء می کردند که در دوم انتخابات که ۵ مه ۲۰۰۲ برگزار می شود، دو نامزد باقی مانده، ژاک شیراک و لیونل ژوسپن خواهند بود. ژاک شیراک از گروه دسته راستی "مجمع برای جمهوری" است که از سال ۱۹۹۵ بر مسند ریاست جمهوری تکیه زده است و برای بار دوم خود را معرفی کرد. لیونل ژوسپن نیز از سوی حزب سوسیالیست نامزد بود. وی از سال ۱۹۹۷ نخست وزیر ژاک شیراک بود و در کابینه اش ۳ وزیر "کمونیست" و یک وزیر از حزب سبزها حضور داشتند. این نخستین بار نبود که در فرانسه رئیس جمهور و نخست وزیر از دو جناح مختلف بورژوازی می آمدند. از سال ۱۹۸۱ تا ۱۹۹۵ که فرانسوا میتران رئیس جمهور بود، چنین حالتی با توجه به اکثریت یافتن یکی از دو جناح بورژوازی فرانسه در پارلمان رخ داده بود.

برخلاف تمام پیش بینی های موسسات نظر سنجی و نیز شکل دهی به افکار عمومی از طریق رسانه های بزرگ فرانسه، در شامگاه ۲۱ آوریل، دو چهره ی ژاک شیراک و لیونل ژوسپن نبودند که بر صفحات تلویزیون ها نقش بستند. نفر دوم پس از شیراک، ژان - ماری لوین، رهبر جبهه ی ملی بود که یک حزب نئوفاشیستی است. آری برای نخستین بار نه دو نفر از دو جناح چپ و راست بورژوازی و نه دو نفر از دو جناح راست و راست افراطی در دور دوم به مصاف یکدیگر می روند.

لازم به یادآوری است که در این انتخابات، نامزد حزب "کمونیست" فرانسه، آقای روبر نو با سه در صد آراء یکی از بزرگ ترین بازندگان بود و در جدول شانزده نامزد در ذیل خانم ارتل لاگیه از گروه تروتسکیستی "مبارزه ی کارگری" قرار گرفت که نزدیک

به شش درصد آراء را به خود اختصاص داد. نکته ی بی سابقه ی دیگر، درصد بزرگ تحریم کنندگان بود که نزدیک به سی درصد می شد. سقوط بی سابقه ی حزب سوسیال - دمکرات فرانسه و به همراه آن حزب "کمونیست" که دیگر چیزی به جز نام را از کمونیسم به دنبال نمی کشد و عملاً به یکی از اقمار حزب سوسیال - دمکرات فرانسه تبدیل شده است و همچنین عروج نئوفاشیست ها به رهبری لوین، بدون دلیل نیست.

نظام سرمایه داری وارد یک بحران بزرگ شده است. بسته شدن کارخانه ها، بیکار سازی ده ها هزار کارگر، سقوط نرخ های رشد به زیر صفر در آمریکا و ژاپن و به حالتی بسیار وخیم تر در آرژانتین که با دستور - های صندوق بین المللی پول به ویرانه ای تبدیل گشته است و سرایت تمام این مصائب به اروپا دیگر بر کسی پوشیده نیست. در پی این بحران بزرگ اقتصادی است که حوادث ۱۱ سپتامبر گذشته مانند "نعمت" عظیمی بر دستگاه دولتی ایالات متحده آمریکا نازل شد تا یک "جنگ ۱۰ ساله" را ظاهراً بر ضد تروریسم آغاز کند. اما در اصل، آمریکا خواهان حفظ هژمونی جهانی خود است تا بتواند در آینده، دابلوک دیگر امپریالیستی، ژاپن و اتحادیه اروپا را تهدید کند. این تهدید با دست یافتن آمریکا بر ذخایر عظیم نفت و گاز جمهوریهای آسیای مرکزی (شوروی سابق) حاصل می شود. تجاوز به افغانستان هم در چارچوب اعمال همین هژمونی جهانی از سوی آمریکا صورت گرفت. زیرا افغانستان راه انتقال تمام این ذخایر گاز و نفت به سوی اقیانوس هند است. از سوی دیگر کشمکش - های تازه ای بین قطب های امپریالیستی در گرفته است که میتوان به وضع تعرفه های سنگین تر گمرکی بر واردات فولاد به آمریکا اشاره کرد. سرمایه داری بیش از همیشه ناتوانی تاریخی خود را در بر آوردن نیاز - های مادی، اجتماعی، فرهنگی و حفظ صلح به نمایش در آورده است. برای این که انحصارات سرمایه داری به حداکثر سود دست یابند، تمام دولت های جهان مجری پیشبرد این سیاست های ارتجاعی اند. دولت سوسیال - دمکرات لیونل ژوسپن هم از زمره ی همین دولت ها بود. دولت وی در پنج سال گذشته، رکورد تمام خصوصی سازیها را شکست و آنها را از مرز ۳۲۹ میلیارد فرانک گذراند. مجموع خصوصی سازیهای دولت پنج ساله ژوسپن سه برابر مجموع خصوصی سازی های بود که دو دولت دست راستی در ۵ سال کرده بودند. در چارچوب "کار انعطاف پذیر" که مطلوب سرمایه داران است، دولت ژوسپن سرآمد بود، به طوری که به گونه ای بی سابقه قراردادهای موقت کار افزایش یافتند و

چهل درصد جوانانی که کار می کنند با قوانینی که سوسیال - دمکراتها به تصویب رساندند در مشاغل ناامن و بدون فردایی مطمئن قرار دارند. وزیر کار ژوسپن با هیاهویی فراوان قانون ۳۵ ساعت کار در هفته را تصویب کرد اما در مقابل آن تمام قراردادهای دسته جمعی کار لغو شدند و ساعات کار هم سالانه گشتند؛ یعنی مثلاً به تصمیم سرمایه دار یک کارگر باید در یک هفته ۲۵ ساعت و در هفته ای دیگر ۴۵ ساعت کار کند. به علاوه دولت ژوسپن در قبال گذراندن قانون ۳۵ ساعت کار در هفته بیش از صد میلیارد فرانک "کمک" به سرمایه داران اعطاء کرد. در نشست اخیر سران اتحادیه اروپا در بارسلون، دولت ژوسپن از بالا بردن ۵ ساله سن بازنشستگی حمایت کرد. در همین نشست بود که هم شیراک و هم ژوسپن گفتند که پس از انتخابات ریاست جمهوری تصمیمی در رابطه با خصوص سازی صندوق های بازنشستگی خواهند گرفت. در صورت خصوصی شدن صندوقهای بازنشستگی، سوی جوانب اجتماعی آن، سهام آنها به بورس راه خواهند یافت و امکان این که کارگران و زحمتکشان بتوانند تمام مالغی را که در طی نزدیک به چهار دهه کار برای بازنشستگی پرداخت نموده اند یک شبه در بورس و بورس بازی از دست بدهند به وجود خواهد آمد. این مسئله برای حقوق بگیران "انرون" شانزدهمین شرکت بزرگ جهان و هفتمین شرکت بزرگ آمریکا، که اخیراً ورشکست شد به وقوع پیوست. کار - گران و کارکنان "انرون" نه فقط شغل خود را از دست دادند بلکه دیگر یک دلار بازنشستگی هم نخواهند داشت.

هر چند که شرکتهای بزرگ دولتی از جمله راه آهن، گاز و برق و پست و همچنین بهداشت عمومی با معیارهای سرمایه داری اداره می شوند اما مبارزات وسیع کارگران آنها در گذشته موجب شده که یک رشته خدمات به مردم بدهند. در این زمینه هم، ژوسپن از "آزاد سازی رقابت" سخن گفته بود. هنگامی که یکی از بزرگ ترین انحصارات فرانسوی به نام "میشلن" صدها کارگر را تحت عنوان سیاست به اصطلاح "تعدیل اقتصادی" اخراج کرد، ژوسپن شخصاً گفت: در شرایط اقتصادی کنونی، دولت نمی تواند کاری بکند. او پس از بسته شدن کارخانه "رنو" در شهر ویل ورد نیز اظهارات مشابهی داشت. دولت سوسیال - دمکرات ژوسپن به بهانه موفقیت اتحادیه اروپا، همگام با جناح رقیب از امضای پیمانهای دفاع کرد که بیش از پیش حتماً اختیارات پارلمان فرانسه را محدود کرد. در این میان به بهانه مبارزه با تروریسم، قوانینی هم در جهت محدود کردن آزادی های سیاسی در فرانسه به تصویب پارلمان با اکثریت سوسیال - دمکرات رسید. ژوسپن در زمینه سیاست های خارجی هم دست کمی از دولتهای راست سنتی نداشت. مثلاً در سفری که او به اسرائیل کرد، مبارزات

فرق مرگ و زندگی برایم از بین رفته است، به این جرم که فلسطینی هستم

خاطرات یک نو جوان ۱۳ ساله فلسطینی

که یکی از همسایگان، برای خرید نان به خیابان رفته بود و نان در دست گشته شد، جلوی چشم است.

۱۳ آوریل: امروز دو ساعت مجازیم به خارج از خانه بیاییم. مردم دوان دوان به طرف مغازه ها می روند تا مواد لازم را بخرند. همه می دوند تا به موقع به خانه برگردند و از گلوله سربازان اسرائیلی جان سالم بدربرند. ۵ دقیقه قبل از پایان دو ساعت، شلیک هوایی شروع می شود.

یک صحنه دیگر یادم می آید. سه روز پیش، زمانی که جسد فردی را که مقررات منع رفت و آمد را زیر پا گذاشته بود و کشته شده بود، کشان کشان به درون کلیسای روبروی خانه مان بردند. شاید در حیاط کلیسا دفن شده باشد.

روزهاست که زندگی در شهر کوچک ماعوض شده. بوی خاک و خون به مشام می رسد. همه جا ویران است. حتی درخت ها نیز شکسته شدند. بتلهایم به صحرایی تبدیل شده که بوی خون و باروت می دهد. فرق مرگ و زندگی برایم از بین رفته است. آنهم به این جرم که فلسطینی هستم.

ما در طبقه دوم هستیم. از یک هفته قبل، همگی در زیر زمین بسر می بریم و فقط برای خواب به اتاقها می رویم. طی یک هفته گذشته که تانکها و سربازان اسرائیلی همهجا را قرق کرده اند، مغازه ها غارت شده اند. مغازه پدرم که یک خوار بار فروشی بود، توسط اسرائیلی ها غارت شد. یکی از اقوام ما یک طلا فروشی داشت که آنهم غارت شد.

۱۱ آوریل: کم کم به اسرائیلی ها و تانک ها ایشان عادت کردیم. تانکها پشت سر هم قطار شده اند. امروز تمام روزگریه کردم. شنیدم که در حمله سربازان و تانک ها به جنین، صدها تن کشته شدند. اجساد آنها ۳-۴ روز در خیابانها تلنبار شده و کسی نمی توانست آنها را دفن کند. آیا ما نیز به درد آنها دچار خواهیم شد؟

باز صدای تانکها به گوش می رسد. صدا-یشان به جزئی از زندگی روزمره مان تبدیل شده است. با صدای گلوله از خواب بیدار می شویم و با صدای گلوله برایمان لالایی می گویند. تانکها به راه می افتند و دیوانه وار شلیک می کنند. هنوز صحنه دو روز پیش

" ماری، دختر نوجوان ۱۳ ساله فلسطینی ساکن بتلهایم است که خاطرات روزهای ۸، ۱۱ و ۱۳ آوریل را به نگارش در آورده و به برخی جراید اروپایی ارسال کرده است. متن زیر ترجمه خاطرات وی است.

۸ آوریل: من در یکی از جاهایی زندگی می کنم که این روزها بوی مرگ می دهد: شهر بتلهایم. امروز ساعت ۱۰ صبح با صدای بمباران از خواب پریدیم. همه جا فرو می ریخت. ساختمانهای اطراف یکی پس از دیگری فرو می ریخت. ماهمگی زیر تخت خزیدیم و در آنجا سنگر گرفتیم. پدرم جلوی پنجره تانکها را شمرده بود. تنها در کوچه ما ۲۰ تانک بود. پدرم در منطقه Nativity یک مغازه کوچک دارد. از هفته پیش کسی اجازه عبور و مرور ندارد. همه در خانه زندانی شده ایم. یک هفته است نور آفتاب را ندیده ایم. پنجره ها بسته اند و با پتوهای تیره رنگ پوشانده شده اند. ما در یک خانه دو طبقه زندگی می کنیم. در طبقه اول عمو و خانواده اش ساکنند.

یک سال نبرد طبقاتی کارگران ایران

صنعتی خود مبارزه نکرده است، بلکه در عمل پیشتازی خود را در مبارزه برای درهم شکستن جو اختناق و کسب آزادی های سیاسی نشان داده است.

با این سطح از پیشرفت مبارزه طبقاتی کارگران، چشم اندازهای نوینی در مبارزه نه فقط علیه رژیم جمهوری اسلامی بلکه علیه نظم اقتصادی - اجتماعی سرمایه داری حاکم گشوده می شود.

در چنین شرایطی وظیفه ما کمونیستهاست که پیگیرانه از استقلال طبقاتی کارگران دفاع کنیم و علیه هرگونه توهم پراکنی - های بورژوازی و خرده بورژوازی که بخواهد مبارزه طبقاتی کارگران را به دایره مناسبات موجود محدود کند، مبارزه نماییم. ما باید بر این حقیقت تاکید کنیم، تا زمانی که مبارزه طبقاتی کارگران به آن درجه از توسعه نرسیده است که طبقه کارگر تشکلهای توده ای خود را مستقلا ایجاد کند، ضرورت کمیته های مخفی یا هر نام دیگری که کارگران بر آن می گذارند به جای خود باقیست. تنها از طریق این تشکلهای کوچکتر و مخفیست که در اوضاع کنونی، پیشروان کارگری می توانند در عین حال که از چشم رژیم پنهان می مانند، نقش خود را در رهبری مبارزات ایفاء کنند و زمانی هم که شرایط مساعدی برای ایجاد علنی تشکل های توده ای پدید آید، به سرعت به این تشکل ها شکل دهند، تنها مبارزه طبقاتی کارگران است که به این تشکلها شکل خواهد داد.

اعتصابات هم نه از کسی اجازه می گیرند و نه به محدودیت ها و تهدید های رژیم توجه می کنند، حالا گروههایی از دوی خرد ادبها و خانه کارگر می گویند، بیایید این اعتصابات را قانونمند کنیم، و منظورشان از قانونمند کردن این است که دیگر اجازه ندهند کارگران هرگاه که اراده کردند اعتصاب کنند، بلکه برای یک اعتصاب مثلا از خانه کارگر و دستگاه های پلیسی و قضایی اجازه بگیرند. آنها بدین طریق در تلاش اند مبارزه کار - گران را مهار کنند. این واقعیتیست روشن که آزادی یک کلیت است و تقسیم پذیر نیست. نمی شود در یک کشوری آزادیهای سیاسی و حقوق دمکراتیک توده زحمتکش مردم به رسمیت شناخته نشوند، ولی مثلا حق اعتصاب و تشکلهای کارگری به رسمیت شناخته شوند. تمام جناحها و باند های هیئت حاکمه مخالف آزادیهای سیاسی برای توده مردم ایران هستند، لذا ادعایشان در مورد تشکل مستقل و اعتصاب هم جز یک عوامفریبی و تلاش برای مهار جنبش کارگری نیست. اما همین که آنها ناگزیرند حرف این مطالبات کار - گران را بزنند، بیان چیز دیگری جز بسط و توسعه مبارزه طبقاتی کارگران نیست. کارگران ایران، امروز تنها به اعتصاب در کارخانه ها اکتفا نمی کنند، آنها با راه - پیمایی و تظاهرات و گردهم آیی در خیابانها، محدوده های قانونی رژیم را درهم شکسته اند. در اینجا طبقه کارگر ایران دیگر صرفا برای تحقق مطالبات

تظاهرات میلیون ها کارگر در اول ماه مه

- های اقتصادی دیکته شده از سوی مراکز مالی امپریالیستی نظیر صندوق بین - المللی پول، یاد و خاطره مبارزات کارگران شیکاگو در اول ماه مه را گرامی داشتند. * - در استرالیا نیز روز اول ماه مه به روز اعتراض به سیاست های جنگ طلبانه امپریالیستها در افغانستان و فلسطین تبدیل شد. در این روز خیابانهای شهر سیدنی به صحنه درگیری هزاران جوان خشمگین معترض به سیاست های ضد پناهندگی دولت این کشور با نیرو های سرکوبگری تبدیل شد. تظاهر کنندگان در مقابل دفتر نمایندگی اسرائیل تجمع نموده و خواهان خروج فوری نیروهای ارتش اسرائیل از شهرهای فلسطین شدند. در شهرهای دیگر استرالیا، نظیر ملبورن، نیز هزاران نفر در همبستگی با پناهجویان تلنبار شده در کمیتهای پناهندگی و اعتراض به سیاستهای ضد کارگری و ضد خارجی دولت این کشور دست به راهپیمایی و تظاهرات زدند.

* - در کوبا یک میلیون نفر در مراسم اول ماه مه شرکت کردند. در تعداد دیگری از کشورهای جهان نیز کارگران روز اول ماه مه را جشن گرفتند.

* - در ایران که رژیم جمهوری اسلامی اجازه برگزاری مراسم مستقل و آزادانه را به کارگران نمی دهد، کارگران در مراسم دولتی که خانه کارگر سازمان ده آن بود شرکت نکردند. در مراسم دولتی تعداد بسیار اندکی حضور داشتند که ایسنا با اغراق تعداد آنها را بیست هزار اعلام نمود. در این مراسم یکی از شعارهای خانه کارگر، " کارگر خارجی اخراج باید گردد" یعنی همان شعار لوپن، نئوفاشیست فرانسوی بود.

از صفحه ۵ سقوط آزاد سوسیال - دمکراسی و عروج فاشیسم در اروپای غربی با نگاهی به انتخابات ریاست جمهوری فرانسه

مردم فلسطین را تروریستی توصیف نمود. دولت وی از دوجنگ در یوگسلاوی و افغانستان حمایت کرد و از گسیل نیروهای نظامی فرانسه به این مناطق غافل نشد.

بی‌جهت نبود که پیش از انتخابات ۲۱ آوریل، ۷۵٪ واجدین شرایط می‌گفتند که اختلافی بین برنامه‌های شیراک و ژوسپن نمی‌بینند! واقعیت هم همین بود. حتی خود ژوسپن در یکی از سخنرانی‌های پیش از انتخاباتی گفته بود: برنامه من سوسیالیستی نیست. واقعیت دیگر این است که سوسیال - دمکراسی عملاً خود را در جناح راست بورژوازی حل کرده است و به نام " واقع گرایی " و به ویژه واقع گرایی اقتصادی همان سیاست‌های جناح راست را اعمال می‌کند. شکست دولت ژوسپن بار دیگر نشان داد که سوسیال - دمکراسی تازمانی می‌تواند در جوامع سرمایه داری کارایی داشته باشد که اوضاع متعادل و نسبتاً آرام باشد. به محض این که بحران اقتصادی، اجتماعی و سیاسی اوج می‌گیرد، سوسیال - دمکراسی هم عقب می‌رود. در این جاست که در غیاب یک حزب کمونیست انقلابی در فرانسه، امروز، راست افراطی ابتکار عمل را به دست گرفت، ژان - ماری لوپن نئو - فاشیست پایه میدان گذاشت و با اعلام یک رشته برنامه‌های تماماً پوپولیستی گوی رقابت انتخاباتی را از ژوسپن سوسیال - دمکرات ربود. لوپن نئو فاشیست که در شب پایان دور اول انتخابات ریاست جمهوری " همه ی نژادها " را به سوی خود فراخواند تا در دور دوم به او رای بدهند، در کارزار انتخاباتی اش گفته بود: " من از نظر اجتماعی چپ، از نظر اقتصادی راست و از نظر ملی فرانسوی هستم. " آیا می‌شد ساده تر از این گفت که " من یک ناسیونال - سوسیالیست (نازی) هستم " ! ؟ لوپن بی‌مهابا تقصیر تمام مصائب اجتماعی و اقتصادی را که ریشه در نظم پوسیده سرمایه داری دارند به گردن عوامل غیر واقعی می‌اندازد. وی می‌گوید که با اخراج مهاجران می‌توان مشکل بیکاری را حل کرد. او از نمود گرانش‌های اسلامی هم به نفع خود استفاده می‌کند و با فریاد به خطر افتادن مسیحیت خواهان بازگشت به اصطلاح ارزش - های مذهبی کاتولیک می‌شود. در این زمینه هم اتفاقی نبود که لوپن در سخنرانی که در پایان دور اول انتخابات ایراد کرد جملاتی از انجیل و پاپ را آورده بود.

اما دیگر هر بار که انتخاباتی در چارچوب دمکراسی بورژوازی برگزار می‌شود تعداد بیشتری از مردم فرانسه به بی‌سرانجامی آنها پی می‌برند. بی‌دلیل نبود که در همان شب ۲۱ آوریل و تا بامداد ۲۲ آوریل در چندین

شهر بزرگ فرانسه، هزاران نفر به طور خود جوش به خیابانها آمدند و علیه خطر فاشیسم و جبهه ملی آقای ژان - ماری لوپن شعار دادند. لازم به یادآوری است که در این شب هزاران نفر به طور نمادین میدان باستیل پاریس را تسخیر کرده و در میدان کنکورد که محل سربریدن محکومان باکیوتین بود با نیروهای پلیس درگیر شدند. این تظاهرات خود جوش در روزهای بعد هم ادامه یافت و دست کم روزی ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار نفر در سطح فرانسه به خیابانها آمدند و علیه عروج فاشیسم در این کشور شعار دادند. اکنون تمام تلاش بورژوازی فرانسه بر این است که چنین الفاء کند که بازم با انتخابات می‌توان در چارچوب نظم سرمایه داری کاری را به پیش برد. اما تجربه و واقعیت‌های تاریخی نشان می‌دهند که دیگر انتخابات در چارچوب نظم سرمایه داری کار ساز نیست. زیرا تمام دست‌آوردهای اجتماعی همین جوامع هم از درون مبارزه طبقاتی و اقدامات بزرگ توده ای که با جهت گیری واژگونی نظم سرمایه داری و مالکیت خصوصی انجام شده‌اند، حاصل گشته‌اند. بحرانهای عمیق نظم سرمایه داری، اکنون در زمینه‌های سیاسی هم بروز کرده و پس از افتضاح به قدرت رسیدن جرج بوش دوم بارای دادگاه - ها، اکنون انتخاب رئیس جمهور فرانسه هم به معضلی تبدیل شده است. امروز راست سنتی فرانسه با احزاب رنگارنگش و همچنین سوسیال - دمکراتها به همراه اقمارشان از قبیل حزب " کمونیست " فرانسه و حزب سبزها، می‌خواهند بارای دادن به ژاک شیراک از به قدرت رسیدن ژان - ماری لوپن جلوگیری کنند. برخی از چپ نماها هم رای‌های دور اول را در ترازو گذاشتند و می‌خواهند ثابت کنند که خیر عروج راست افراطی در فرانسه منشاء طبقاتی ندارد و چپ (از نظر آنان سوسیال - دمکراتها و اقمارشان) هنوز هم قدرتمند اند. باید گفت که این چپ نماهای توانایی تحلیل طبقاتی از اوضاع

رافراموش کرده‌اند یا بدان اعتقاد نداشته اند یا اصلاً نمی‌دانند که تحلیل طبقاتی از بحران سیاسی در انتخابات ریاست جمهوری فرانسه چیست. این چپ نماها هم، یک پارچه خواهان رای دادن به شیراک شده‌اند. اما از هم اکنون روشن است که شیراک هم بخش‌های بسیاری از سیاست - های لوپن را به مرحله عمل و اجرا خواهد گذاشت. زیرا شیراک از منظر بازی دمکراسی بورژوازی مجبور است که به نفر دوم پس از خودش توجه کند و در ثانی او از همین نفر دوم به عنوان شمشیر دامو - کلس استفاده خواهد کرد. مگر از هم اکنون شیراک نگفته‌است که می‌خواهد یک وزارت امنیت درست کند؟ مگر وی نگفته است که قانون ۳۵ ساعت کار در هفته را بازبینی خواهد کرد تا " هرکه می‌خواهد بیشتر کار کند، بتواند " ؟ آیا تاکتیک رای دادن به شیراک نامی برای سد کردن راه بر لوپن نامی، می‌تواند تا ابد کار ساز باشد ؟ آیا با یک مسکن قلبی (شیراک) می‌تواند به نبرد سرطان (لوپن) رفت ؟ آیا کار - گران و زحمتکشان فرانسه که می‌بایستی بین بد و بدتر (ژوسپن و شیراک) یکی را انتخاب می‌کردند و امروز در مقابل انتخاب بین بدو بدترین (شیراک و لوپن) قرار گرفته اند خواهند توانست طرفی از این انتخاب ببندند؟ آیا مارکسیست - لنینیست - های فرانسه که از ده سال پیش بدین سو برای بنیان گذاری یک حزب کمونیست نوین و واقعا انقلابی تلاش می‌کنند موفق خواهند شد ؟ آیا همین کمونیست - های انقلابی فرانسه حق نداشتند که در دور اول انتخابات ریاست جمهوری خواهان انداختن کارت قرمز به درون صندوق های رای شدند تا به همه ی نامزدهای " چپ " و راست بورژوازی اخطار داده شود؟ مبارزات طبقاتی آینده در فرانسه که از حدت و شدت بیشتری نسبت به گذشته برخوردار خواهند بود، پاسخ این پرسش ها را خواهند داد. بحران سیاسی نظام سرمایه داری فرانسه با انتخاب شیراک پایان نخواهد یافت. این " انتخاب " سرآغاز جدیدی بر بحران - های ژرف تر دیگر خواهند بود.

اخباری از ایران

* تجمع اعتراضی کارگران چیت کرج

کارگران کارخانه چیت کرج در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مزایای خود در تاریخ هفتم اردیبهشت دست به یک تجمع اعتراضی در خیابان بهشتی زدند و عبور و مرور در این خیابان را متوقف ساختند. کارگران خواهان پرداخت چندین ماه حقوق و مزایای معوقه خود شدند. نیروهای ضد شورش در محل حضور یافتند و کارگران را متفرق نمودند.

۳۷۷ تن از کارگران کارخانه قند شاهرود، اکنون تنها ۱۰۲ نفر، کارگردانی محسوب می‌شوند. ایرنا که این خبر را انتشار داد، افزود که رئیس اداره کار و امور اجتماعی شاهرود، از اظهار نظر در مورد وضعیت این کارگران، خودداری کرد و گفت مسئولان فرمانداری شاهرود وی را از هرگونه گفت و گوی منع کرده‌اند.

زنده باد استقلال طبقاتی کارگران

اطلاعیه پایانی
دومین «نشست مشترک» نیروها و فعالین کمونیست و چپ

دومین «نشست مشترک» نیروها و فعالین کمونیست و چپ، در روزهای پایانی ماه مارس ۲۰۰۲ با حضور بیش از ۱۴۰ نفر از نمایندگان و اعضای نیروهای سیاسی و فعالین کمونیست و چپ تشکیل گردید و کار خود را با یک دقیقه سکوت به یاد همه جان باختگان سوسیالیسم و آزادی آغاز کرد.

ابتدا گزارش فعالیت ۶ ماهه «شورای هماهنگی نشست مشترک» اول ارائه گردید و پس از آن اجلاس با انتخاب هیئت رئیسه وارد دستورکار شد.

روند گفتگوهای «نشست مشترک» دوم نشان داد که علی رغم تدارک سیاسی این دوره که با انتشاره بولتن مباحثات، طرح و انتشار چندین پلاتفرم و ساختار تشکیلاتی دنبال شده است، مباحثات انجام گرفته از کفایت برخوردار نبوده و سطح توافقات شرکت کنندگان «نشست مشترک» هنوز با تدوین یک پلاتفرم سیاسی مشترک و تبیین ساختار تشکیلاتی متناسب با آن فاصله دارد و دور دیگری از مباحثه حول مضمون سیاسی و ساختار سازمانی مشترک ضروری است. در عین حال، همه شرکت کنندگان دومین «نشست مشترک»، بر ضرورت جهت گیری این مباحثات در راستای جنبش کارگری - سوسیالیستی، و بردخالتهای مشترک از موضع منافع طبقه کارگر در مبارزات جاری تاکید کردند و مبنای زیر را تصویب کردند:

۱- «شورای هماهنگی منتخب نشست» با حرکت از این جهت گیری، سیاست خود را تنظیم می کند و تازمان تدوین و تصویب پلاتفرم و برنامه عمل سیاسی آینده، مبنای اتخاذ سیاست های خود را بر مبنای نشست مشترک اول، می داند.

۲- «نشست مشترک» نظر به ضرورت تداوم این مباحثات، انتشار منظم بولتن و جهت گیری بر حرکت مشترک و نیز طرح سیاست های روشن انقلابی از موضع جنبش مضمون سیاسی و ساختار درونی سوسیالیستی طبقه کارگر و تدوین مباحثات پلاتفرمی و اساسنامه ای را متناسب با روند تحولات اجتماعی و سیاسی ایران به عنوان مسائل اساسی مورد بحث می داند.

در این رابطه، سازماندهی جلسات بحث و سمینار و استفاده از همه امکانات رسانه ای موجود در دستور کار «شورای هماهنگی» است. «نشست مشترک» نظریه اهمیت تبیین معیارهای ساختاری «شورای هماهنگی» را موظف می سازد طرحی پیشنهادی در این زمینه تهیه و در بولتن مباحثات منتشر سازد و به «نشست مشترک» آینده ارائه دهد.

تنظیم رؤس یک آیین نامه درونی متناسب با نیاز واقعی و رابطه موثر با فعالین «نشست مشترک» نیز از دیگر وظایف «شورای هماهنگی» است.

۳- «نشست مشترک» با توجه به اهمیت دخالت سیاسی در مبارزات جاری و تحولات اجتماعی، بر اتخاذ موضع سازماندهی حرکت مبارزاتی تاکید می نماید و به ویژه «شورای هماهنگی» را موظف می سازد که ا مبارزات و مطالبات جنبش کارگری حمایت کند و کمیسیون کارگری را برای تدوین برنامه مشخصی در این زمینه فعال تر سازد.

۴- «نشست مشترک» مداخله در جنبش اجتماعی زنان ایران و دفاع از خواسته ها و مطالبات آنان در مقابل با نظام سرمایه داری مردسالاری و مذهبی حاکم را از وظایف خود می شناسد و در جهت تقویت موقعیت و مواضع زنان کارگر و زحماتش در جنبش توده های زنان تلاش خواهد کرد. در این راستا، بخشی از بولتن به مباحث این مبارزه اختصاص خواهد یافت.

۵- «نشست مشترک» دفاع از مبارزات انقلابی خلق های تحت ستم ایران، از جمله جنبش انقلابی مردم کردستان و دفاع از حق تعیین سرنوشت ملیت های ساکن ایران را از وظایف خود می شناسد.

۶- «نشست مشترک» از مبارزات توده های زحمت کش جامعه و مبارزات جوانان و دانش جویان پشتیبانی می کند.

۷- «نشست مشترک» بر مواضع پیشین خود مبنی بر دفاع از مبارزات کارگری در سراسر جهان و مبارزات انقلابی خلق های تحت ستم با امپریالیسم و سرمایه داری بین المللی تاکید می کند.

۸- متناسب با نیازهای واقعی پیشبرد مبارزات مشخص، کمیسیون های ویژه، از جمله: «کمیسیون کارگری»، «کمیسیون جوانان و غیره» به ابتکار نیروها و فعالین «نشست مشترک» شکل خواهد گرفت و بر نیازهای معین مبارزاتی متمرکز خواهد شد. «شورای هماهنگی» موظف است با امکان سازی و تنظیم ارتباطات، کمیسیون ها را پشتیبانی کند.

۹- «نشست مشترک» بررسی مسایل اساسی تدارک یک نشریه سیاسی و سازمانگر را برای تقویت مواضع انقلابی جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر، و پیشبرد مبارزه و مقابله ای سازمان یافته با تبلیغات گروه بندی های مختلف بورژوازی و فرمبستی، به شورای هماهنگی پیشنهاد می کند. در انتها، «شورای هماهنگی» تازهای برای پیشبرد وظایف و پیشنهادهای بالا انتخاب و تدارک نشست آینده به عهده آن گذاشته شد و «نشست مشترک» دوم نیروها و فعالین کمونیست و چپ، در میان احساسات گرم و رفیقانه شرکت کنندگان، با امید به پیروزی طبقه کارگر و با خواندن سرود انترناسیونال پایان یافت.

«نشست مشترک» دوم نیروها و فعالین کمونیست و چپ
۲۱ مارس ۲۰۰۲

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)،
نامه های خود را در دو نسخه جدا گانه
برای دوستان و آشنایان خود در خارج از
کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان
را به یکی از آدرسهای زیر پست کنند.

آلمان
K. A. R
Postfach 160531
60068 Frankfurt
Germany

اتریش
Kar
Postfach 260
1071, Wien
Austria

دانمارک
I. S. F
P. B. 398
1500 Copenhagen V
Denmark

سوئد
M. A. M
Postbox 1144
75141 Uppsala
Sweden

سوئیس
Sepehry
Postlagernd
3052 Zollikofen
Switzerland

فرانسه
A. A. A
MBE 265
23, Rue L ecourbe
75015 Paris
France

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی
زیر واریز و رسید آنرا به همراه کد مورد نظر به
یکی از آدرس های سازمان ارسال نمایید

I.W.A
6932641 Postbank
Holland

شماره فکس

سازمان فدائیان (اقلیت)
۵۹۷۹۱۳۵۷ - ۶۹ - ۴۹

پست الکترونیک E-Mail:

info@fedaiian-minority.org

نشانی سازمان بر روی اینترنت:

http://www.fedaiian-minority.org



Organization Of Fedaiian (Minority)

No.380 mei 2002

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی